

نگاهی به بخشی از بحث های سرگیچ و نا آرام کننده

حین بحث برمسایل کشور نباید بحث بر هیچ موضوع منع باشد. باید نوشت، بحث را باز کرد، مسایل را مطرح و منطق سخن را پیشکش کرد و قضاوت را به خواننده گذاشت.

نتیجه گیری ها و اعتقادات خویش را به هر قیمت بخواننده و آنهم خواننده کنجکاو امروز با داشتن امکان انتخاب و مراجعه به مراجع مختلف نشراتی و معلومات درواقعیت ضایع کردن وقت خود است تا وقت دیگران.

ما در بحث ها عده را میبینیم که به مجرد باز کردن بحث و تأیید از مشی مصالحه سیاسی و پیگیری درست آن، یکرست مهرطالب بودن و عقب گرا بودن را برداشته و ساده و خلاصه برپیشانی شخص وارد میکنند و همکاران خارجی شان اصطلاحات تروریست، فوندامیتالیست، افراطی، خطرناک و را بر آن اضافه کرده و با تمام وسایل دست داشته در پی تخریب میبرایند و می آزارند.

ذکر کلمه برادر به مخالف عده را بسیار آشفته ساخته و به خاین بودن حکم میکنند. درحالیکه برادر و قریب را الله تعالی میدهد و ما انتخاب کرده نمی توانیم. در قصه قرآنی حابیل و قابیل برادر یگدیگر اما یک دیگر را میکشند و به دفن کردن آن نمی فهمد. برادر در خدمت برادر قرار میگیرد و جان خویش را فدای برادر میکند. برادر از برادر خفه شده و شکر رنجی در میان بوجود می آید اما برادر برادر باقی میماند. چنین قضیه همان افغانهای که خواسته و ناخواسته در موضع غیر از موضع ما قرار گرفته و مصروف آنچه اند که وطن خراب شده و در اهداف استراتژیک دشمن قرار میگیرد. لذا در اصطلاح برادر بودن کدام مشکل نیست. مشکل در راه بکار گیری و فریب های دیگر است که درین زمینه روی کار و یا از آن آگاهان و نا آگاهانه استفاده میشود. بر ما ست تا به خود آمده و هر آن متوجه رسالت انسانی و عقیدتی خود بود در هر قدم منافع و مصالح مردم، خاک و عقیده اسلامی و انسانی خویش را در نظر داشت و درین دنیا ابتلا و امتحان ادای رسالت خیر کنیم. تا دیر نه شود و پشیمانی مفاد نداشته باشد. محاسبه الهی آمدنی است و ما از گفتار، اعمال و کردار و موضع خویش مسؤول خواهیم بود و جوابگو هستیم.

به مجرد بحث از جوانب مثبت این نظام و یا آن نظام و گاهی به مجرد به اصطلاح گفتن (خدای) بدون اجازه و تکمیل (بردی) به کفر گفتن متهم میسازیم و توضیح هم درین راستا مورد قبول قرار نمی گیرد. اگر کسی توضیح میکند که منظورش بد و چنان نبود که تفسیر شده و منظورش چنین و خیر بود که توضیح میکند. اما ما به همان بد بودن شخص تأکید داریم که غیر عادلانه و غیر دقیق است.

یاد آوری از نکات مثبت این نظام و یا آن حاکمیت و یا کدام شخص در مقطع معین ما را با ساده سازی به حکم کردن خدمتگار و نوکر بودن این و یا آن خلاصه می کنیم. با کمی تعمق می بینیم که اصلاً چنین نبوده و ما آسان سازی کرده ایم.

آنچیزی که من درین راستا میخوام تأکید کنم اینست که مصالحه سیاسی الترناتیف و قایمقام خوب دیگر ندارد و داشته نمی تواند. اینکه کدام حرکت و سازمان سیاسی و حرکت حرکت تخریب کار و جنایت کار است او این حرکت و سازمان میتواند به سازمان مقاومت ملی و رهایی بخش مبدل شود و یا در ابتدا سازمان رهایی بخش است و ما تصور درست از آنها نداریم، این مسأله قبل ازینک ما تلاش دادن این لقب را به کسی باشیم به خود این سازمان و حرکت سیاسی و کارکرد های آن ارتباط دارد.

بلی در ارتباط همین مبحث مصالحه سیاسی بمعنای قبول حتمی نسخه مقابل نیست.

مصالحه گذشت از خطوط سرخ هویتی خویش نیست.

مصالحه سیاسی به مفهوم واقعی کلمه و درحالت ما تلاش است برای متمدن ساختن مبارزات سیاسی و گذاشتن تفنگ به زمین و مراجعه به مردم برای داشتن سخن اصلی و کشیدن هموطن از خدمت بیگانه است و دشمن است.

مصالحه سیاسی به مفهوم اصلی کلمه زمینه سازی برای حاکمیت مردم است.

اگر درین تلاش کسی به همین مفهوم میکوشد و تلاش دارد و کسی دیگر با ساده سازی چنین شخص را در خدمت این و یا آن به صورت منفی قرار میدهد، بحث غیر عادلانه و نادرست است و باید در مورد تجدید نظر شود.

حین بحث و تأکید بر دیموکراسی و انستیتوت های قبول شده آن، حقا با دید و ملاحظه و تجربه از نام دیموکراسی در سالهای اخیر عده اصلاح دیموکراسی و نظام دیموکراتیک را در مبداء و اساس رد کرده و نمی پذیرند. اما واقعیت چنین است که بشریت همین را در اختیار دارد و وسیله دیگر در دست ندارد که نظام نسبتاً عادل را برپا سازد.

تلاش عده مبنی بر تشکیل کمیته از دوکتوران و پرفیسوران و متخصصین که حاکمیت را در افغانستان در دست گیرند یک تلاش ساده و دور واقعیت و ارزشهای دیموکراسی است و تشکیل حاکمیت تکنوکرات و متخصص یک حاکمیت تجرید شده از ملت و هیچ گونه توانایی ادای امور را بدون مشروعیت سیاسی داشته نمی تواند و ندارد. اگر نظام دیموکراتیک نظام مردم برای مردم توسط مردم و در خدمت ارزشهای مردمی در توافق به ارزشهای عام قبول شده است پس نمی توان نظام دیموکراتیک را به هیچ صورت رد کرد. صرف ضرورت است تا فهم خویش را باید درین راستا دقیق و درست ساخت. علت اینکه ارزشهای جامعه و مردم من حتمی نیست با ارزشها و مطالبات کشور مانند آلمان و یا انگلستان برابر باشد و مطابقت کند. کشور و جامعه ما با ترکیب بیشتر از ۹۹٪ مردم مسلمان و فهم و کلچر اسلامی نمی تواند آن ارزشها را بپذیرد که در آن مثلا مرد با مرد و یا زن با زن تحت نام دیموکراسی عروسی و یا زندگی مشترک میکنند. اخلاق، مورال و اصول قبول شده کشور من افغانستان عزیز و جامعه من آنرا در مطابقت به اصول و ارزشهای اسلامی خویش نمی داند و آنرا رد میکند. لذا ما با دیموکراسی به مفهوم واقعی کلمه مشکل نداریم بلکه مشکل ما با فهم از دیموکراسی غیر دیموکراتیک دیموکراسی است. مردم ما مسلمان اند و انتخاب خویش را دارند. بلی یکی از مشاغل ما همین فهم متفاوت از دیموکراسی است که باید دقیق شود. دقیقا تحمیل ارزشهای غیر افغانی غربی بر جامعه ما برخورد غیر دیموکراتیک و خلاف دیموکراسی است.

بمجرد بحث محاکمه جنایت کاران گذشته عده در این حیثه تمام کسانی را که قبل متولد شده و در زمان معین زندگی می کردند داخل ساخته و آسان سازی غیر عادلانه میکنند. عده باز بدون حق آغاز این بحث را بدون اینکه خود مرتکب کدام جنایت شده باشند متوجه خود میدانند و به مخالفت آن می پردازند. بدون تعمق به اینکه درین حاکمیت ها کسانی به شهادت رسیده اند و مفقود و شهید و معیوب و بی عزت و بی عفت شده اند. این همه برادر، خواهر و مادر و پدر و همسر کسی بوده و عدالت حکم میکند که این حق را داشته باشند تا باز پرس و پیگرد صرف برای تأمین عدالت نه به منظور انتقام و فتنه، صورت گیرد. درین راستا افراط و تفریط مشکل ما را حل کرده نمی تواند بلکه بزرگ ساخته میتواند. عدم تفکیک مسؤلیت جزایی، اخلاقی، سیاسی و وجدانی درین عرصه مشکل را وسیع تر ساخته و برخورد مفید نیست.

هست چندین مورد دیگر که باید در مورد دقت کرد و نه گذاشت بحث به افراط و تفریط کشانده شده و بحث برای بحث و بحث برای فتنه و بحث مضر، بحث سرگیج کننده و نا آرام کننده صورت گیرد. عوض اینکه ما شب را بسیار تاریک بگویم و روز را بسیار روشن بگویم باید علایم، قراین، شواهد و اسناد را ارایه کنیم که خود خواننده این تصور و قضاوت بسیار تاریک بودن و یا بسیار روشن بودن را در ذهن خویش به قضاوت خویش نتیجه گیری کند.

درین بخش رفتن به جزئیات بحث جناب دوکتور روستار تره کی و جناب نعیم بازر و ... مؤرخ ۲۵/۰۸/۲۰۱۲ منتشره سایت وزین افغان جرمن آنلاین و دیگر سایت های افغانی، ایجاب بحث بس عریض و طویل را خواهد کرد. صرف به یک تذکر مستقیم به یک موضوع این بحث که در دیموکراسی اکثریت حاکمیت میکند و اقلیت باید حقوقش تأمین شود و اینک این اقلیت و اکثریت به بحث های منحنی قومی کدام ارتباط ندارد. مشروعیت حاکمیت در دیموکراسی به اساس دین، قوم و منطقه نیست. در دیموکراسی مشروعیت حاکمیت به اساس انتخابات و مراعات و عدم مراعات قانون است و باید باشد. اینکه مردم افغانستان با ۹۹٪ مسلمان بودن حاکم مسلمان را انتخاب خواهند کرد و مردم بادعیس حاکمیت و شخص را که می شناسند و اعتماد میکنند، از خود نماینده انتخاب خواهند کرد دیگر اساس انتخاب مردم اساس خواهد بود و است تا دیگر معیار ها و بحث های منحنی قومی و سمتی. با ذکر همین نکات چندی این بحث را خاتمه میدهم.

پایان